

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی
سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی (۱۶)، تابستان ۱۳۹۲
تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۹/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۱۴
صص ۷۳-۹۲

ارزیابی تأثیر افشای رویه‌های حسابداری انتقادی بر معیارهای ارزیابی عملکرد و کیفیت گزارشگری مالی

فریدون رهنمای‌رودپشتی*، احمد یعقوب‌نژاد**، یداله نوری‌فرد***، احمد گودرزی****^۱

* استاد گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

Rahnama.roodposhti@gmail.com

** دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

a_yaghoubnezhad@iau-tnb.ac.ir

*** استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

Dr_y_noorifard@yahoo.com

**** دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

Ahmad_good2003@yahoo.com

چکیده

در این مطالعه به بررسی تأثیر افشای رویه‌های حسابداری انتقادی بر معیارهای ارزیابی عملکرد و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته می‌شود. افشای رویه‌های حسابداری انتقادی بر افشای متناسب برآوردهای اقلام حسابداری در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی تأکید می‌نماید. در این پژوهش چهار قلم از اقلام حسابداری انتقادی شامل شناسایی درآمدها، موجودی کالا، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و هزینه استهلاک انتخاب شده است و برای سنجش تأثیر افشای انتقادی آنها، تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. برای آزمون فرضیات به دلیل استفاده از داده‌های کیفی از آزمون ویلکاکسون استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که در سال‌هایی که افشای انتقادی اقلام مورد نظر صورت می‌گیرد، معیارهای ارزیابی عملکرد افزایش یافته لیکن کیفیت گزارشگری مالی تغییر محسوسی نکرده است.

واژه‌های کلیدی: افشاء، رویه‌های حسابداری انتقادی، معیارهای ارزیابی عملکرد، کیفیت گزارشگری مالی

مقدمه

نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات به افراد برون سازمانی است. مدیران می‌توانند از آگاهی خود درباره فعالیت‌های تجاری شرکت برای بهبود اثر بخشی صورت‌های مالی، به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، استفاده نمایند. با این حال چنانچه مدیران برای گمراه ساختن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه‌های حسابداری در گزارشگری مالی، انگیزه‌هایی داشته باشند، احتمال می‌رود مدیریت سود رخ دهد [۱]. بدین معنی که استفاده از رویه‌های حسابداری یا برآوردهای اختیاری یکی از اشکال مدیریت سود است. بدین صورت که حتی بعد از اینکه مدیریت شرکت، رویه‌های حسابداری را انتخاب کرد، هنوز این اختیار وجود دارد که چگونه اصول حسابداری بکار گرفته شود. به عنوان مثال، در مورد برآورد ارزش اسقاط، عمر دارایی‌های نامشهود و ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و غیره اختیار (بکارگیری سلیقه شخصی) وجود دارد [۵]. انگیزه اصلی مدیران از دستکاری در سود حسابداری افزایش پاداش فعلی خود است [۴].

از نظر سالومون و سالومون (۲۰۰۴) یکی از مهمترین موضوعاتی که برای جلوگیری از مدیریت سود مطرح شده است، موضوع حاکمیت شرکتی است، که به لزوم نظارت بر مدیریت شرکت و به تفکیک واحد اقتصادی از مالکیت آن و در نهایت حفظ حقوق سرمایه‌گذاران و ذینفعان می‌پردازد. حاکمیت شرکتی^۱ در درجه نخست، چهار موضوع

اساسی بی‌طرفی^۲، شفافیت^۳، حسابداری و پاسخگویی^۴ و مسئولیت‌پذیری^۵ را مد نظر قرار می‌دهد [۱۹]. رضایی (۲۰۰۹) معتقد است که قانون حاکمیت شرکتی در ایالات متحده، جهت کنترل در تخصیص‌های اختیاری حسابداری بر مفهوم افشاء و شفافیت اطلاعات تأکید دارد [۱۸]. این اطلاعات شامل:

- ۱- افشاء و تحلیل برآوردهای اقلام حسابداری
 - ۲- تحلیل ریسک‌های شرکت از دیدگاه سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان
 - ۳- تغییرات هیأت مدیره
 - ۴- افشاء و تحلیل درصد مالکیت مدیران اجرایی
 - ۵- افشای تغییر در مالکیت شرکت
 - ۶- افشای مبلغ پاداش هیأت مدیره
 - ۷- تحلیل راهبرد شرکت
 - ۸- افشای تراکنش‌های اقلام زیر خط ترازنامه
- هردمان (۲۰۰۱) با تأکید بر شفافیت و افشای اقلام برآوردی حسابداری و اقلامی که ابهامات زیادی را ایجاد می‌کنند، آنرا رویه ای انتقادی معرفی کرد و آن را حسابداری انتقادی^۶ نامید. در این راستا کمیسیون بورس و اوراق بهادار نیویورک (SEC)^۷ در سال ۲۰۰۲ با تأکید بر افشای برآوردهای حسابداری، اقدام به الزامی نمودن بکارگیری افشای رویه‌های حسابداری انتقادی نمود. حسابداری انتقادی عبارتست از افشای اقلامی که ابهامات زیادی دارد و صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

^۲Fairness^۳Transparency^۴Accountability^۵Responsibility^۶Critical accounting^۷Security and Exchange Commission^۱Corporate Governance

یک واحد از سود گزارش شده در صورتهای مالی متفاوت باشد [۸].

بعد از ماجرای انرون^۱ بزرگترین شرکت فعال در بخش انرژی که یکی از موفق‌ترین شرکت‌های آمریکایی با صورتهای مالی درخشان و پیش‌بینی سود کاملاً جذاب که در رأس انتخاب‌های هر سرمایه‌گذار علاقه‌مند به سهام شرکت‌ها قرار داشت - صاحب‌بنظرانی همچون پیتر و مک‌لنی (۲۰۱۱) ابراز داشتند که یکی از مهمترین دلایل آن حسابداری ساختگی^۲ و تحریف آگاهانه گزارش‌های مالی و غیرکافی بودن الزام به افشای برآوردهای حسابداری و شفافیت در صورتهای مالی بوده است [۱۷]. بعد از آن بورس اوراق بهادار نیویورک (SEC)^۳ در سال ۲۰۰۲ با تأکید بر نقش مدیریت مالی در حفظ کارایی بازار سرمایه بر شفافیت‌سازی^۴ گزارشگری مالی، افشای برآوردهای حسابداری و تحلیل‌گری و ریسک‌سنجی شرکت را در یادداشت‌های همراه صورتهای مالی تحت عنوان حسابداری انتقادی برای تمامی شرکت‌های بورس اوراق بهادار نیویورک الزامی نمود [۱۳].

حسابداری ساختگی

امروزه کیفیت گزارشگری مالی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مهمترین چالش‌ها در گزارشگری مالی معروف به پدیده‌ای بنام حسابداری ساختگی است. وقتی که مدیران رویه‌های خاصی از حسابداری را جهت نمایش بهتر وضعیت مالی بجای ارائه تصویری صحیح از آن برای استفاده‌کنندگان بکار می‌گیرند، منجر به ارائه ناصحیحی از عملکرد و

عینی‌ترین نمونه آن اقلامی است که به نحوی از انحاء با برآوردهای حسابداری مربوط است. این افشاء باید به طور کامل از هر جهت (روش‌شناسی، مفروضات مورد استفاده و دلایل استفاده از آن، اهمیت برآورد و بیان کمی و کیفی تأثیر آن بر سایر اقلام صورتهای مالی و غیره) صورت گیرد. این اقلام می‌تواند شامل شناسایی درآمدها، موجودی کالا، هزینه استهلاک، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، سرقتی، ذخیره بازنشستگی کارکنان و جز آن باشد [۱۱].

تحقیق حاضر برای بررسی تأثیر افشای اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در شرکت‌های بورس و اوراق بهادار تهران، اقدام به بررسی تأثیر افشای اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی با معیارهای سنتی و نوین سنجش عملکرد و کیفیت گزارشگری مالی نموده است.

مروری بر مبانی نظری پژوهش

حسابداری ابزار مؤثری برای فراهم ساختن اطلاعات مفید برای قضاوت و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورتهای مالی است. به طوری که هسته بسیاری از دلایل مطرح شده در حمایت از فلسفه وجودی دانش حسابداری، تأکید بر فرآیند قضاوت و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان بوده است [۳]. از نظر بوروک و مری (۲۰۱۱) وجود زمینه مناسب برای دستکاری در سود شامل عواملی همچون تضاد منافع بین مالکان و سهامداران و همچنین به علت وجود برخی محدودیت‌های ذاتی حسابداری از جمله:

۱- نارسایی موجود در فرآیند برآوردهای آتی

۲- امکان استفاده از روش‌های متعدد حسابداری توسط واحد تجاری موجب شده است که سود واقعی

^۱Enron

^۲Creative accounting

^۳Security and exchange commission

^۴Transparency

وضعیت واحد انتفاعی می‌شود، که آنرا اصطلاحاً حسابداری ساختگی گویند [۱۷].

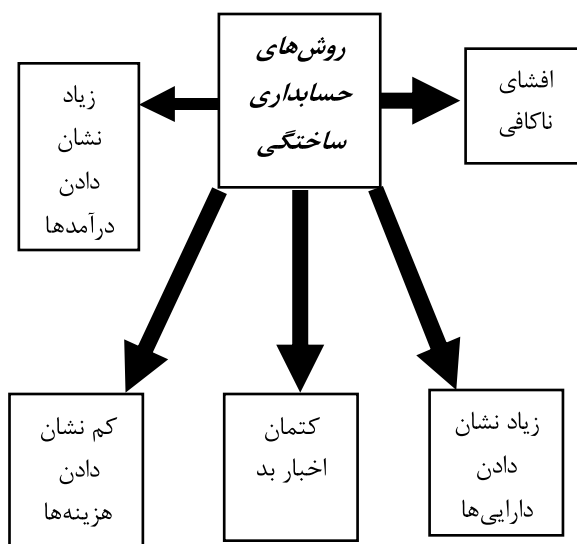
متیو (۲۰۰۶) معتقد است تعریف عمومی پذیرفته شده‌ای از حسابداری ساختگی وجود ندارد. با این حال، واژه ساختگی دارای بار معنایی منفی است و حسابداری ساختگی با هدف گمراه نمودن سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی به کار می‌رود. این حسابداری به صورت تقلب در دفاتر، حساب‌سازی در دفاتر، گزارشگری صوری و حساب آرایبی ظاهر می‌شود [۱۵].

روش‌های حسابداری ساختگی

روش‌های متنوعی جهت تحریف صورت‌ها و گزارش‌های مالی وجود دارد لیکن اهم روش‌های آن به شکل نمودار ذیل است:

نمودار شماره (۱) - روش‌های حسابداری

ساختگی



بر اساس نمودار شماره (۱) مفاهیم مزبور به شرح

ذیل تشریح می‌گردد:

۱- زیاد نشان دادن درآمدها: برخی از روش‌های حسابداری ساختگی با زیاد نشان دادن درآمدها وضعیت مالی بنگاه اقتصادی را مطلوب نشان می‌دهند.

۲- کم نشان دادن هزینه‌ها: بعضی از روش‌های حسابداری ساختگی با تمرکز بر تحریف هزینه‌ها از طریق انتخاب رویه‌های خاص در حسابداری، گزارشات مالی را بطور ناصحیحی ارائه می‌نمایند.

۳- ارائه نادرست دارایی‌ها: عمده‌ترین روش‌های ارائه نادرست دارایی‌ها شامل:

- استفاده از ارزش‌های بیش از قیمت بازار

- هزینه‌های سرمایه‌ای که می‌بایست به عنوان هزینه‌های جاری قلمداد می‌شده است.

- ثبت دارایی‌هایی که مالکیت یا وجود خارجی ندارند.

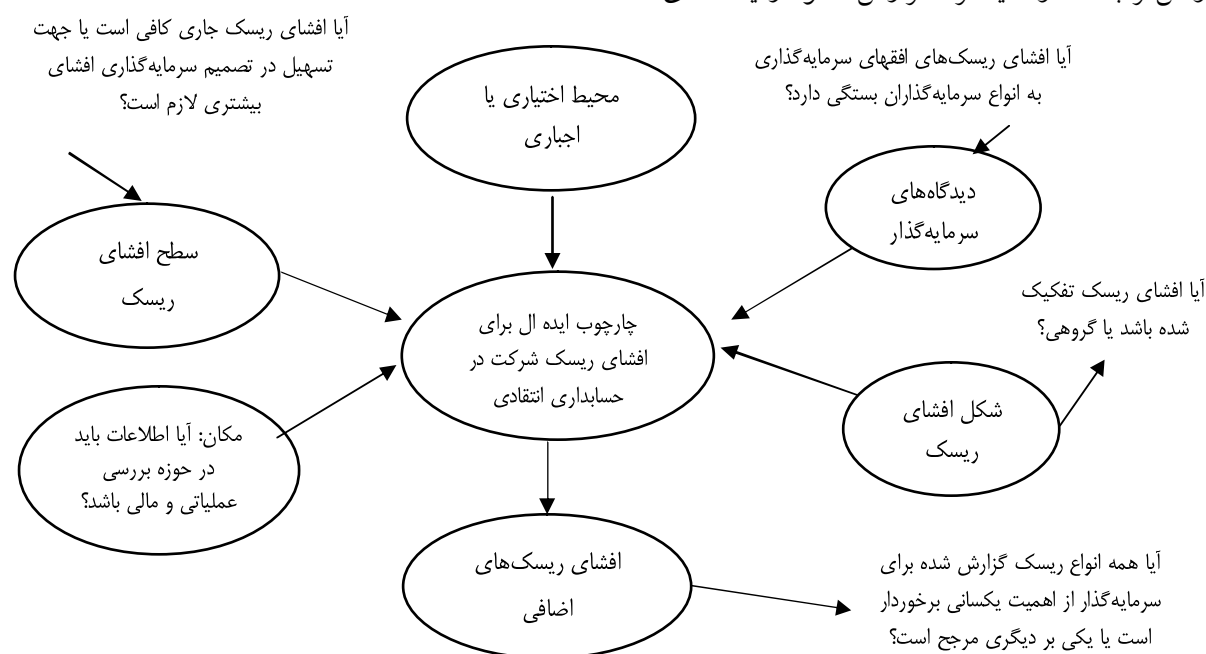
۴- افشای ناکافی: مدیران ممکنست تمایل به ارائه کمتر ارقام یا سعی در پنهان نمودن اطلاعات واقعی داشته باشند. این کتمان یا ارائه کمتر می‌تواند مربوط به تعهدات ایجاد شده، تغییرات اساسی در رویه‌های حسابداری و رویدادهای با اهمیت باشد. همچنین این اطلاعات ممکن است مربوط به معاملات مالی بین مدیران و شرکت باشند.

۵- کتمان اخبار بد: بعضی از روش‌های حسابداری ساختگی بر پنهان نمودن زیان‌ها یا بدهی‌ها تمرکز دارند. چنانچه بتوان زیان‌ها و بدهی‌ها را در صورت‌های مالی پنهان نمود، موجب ارائه وضعیت بهتر بنگاه اقتصادی می‌گردد. یکی از عمده‌ترین این روش‌ها انتقال زیان‌ها و بدهی‌ها به شرکت‌های تحت کنترل است. به عنوان نمونه شرکت انرون، به دلیل تعدد شرکت‌های تحت کنترل خود که کمتر از پنجاه

اختلاس و مدیریت سود برای مدیران و سهامداران عمده محدودتر می‌شود [۱۹].

در بخش ۲۰۴ قانون ساربینز اکسلی آمده است که شرکت‌های سهامی عام باید تمامی عوامل ذیل را همراه با تحلیل ریسک شرکت در یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی، تحت عنوان رویه‌های حسابداری انتقادی ارائه و به کمیته حسابرسی گزارش نمایند [۱۹]. همچنین تحلیل ریسک شرکت نیز به شکل نمودار شماره (۲) ارائه می‌گردد:

نمودار شماره (۲) - تحلیل ریسک شرکت در حسابداری انتقادی



شناسایی اثر برآوردها بر روند آتی صورت‌های مالی شرکت.

- تحلیل حساسیت: تحلیل کمی و گزارشگری مالی جامع از تغییرات در برآوردهای حسابداری.

- تغییرات تاریخی: ارائه توضیحات کمی و کیفی از تغییرات با اهمیت صورت گرفته در برآوردهای

درصد سهام آنها را در اختیار داشت به راحتی بخشی از بدهی‌های خود را به آن شرکت‌ها انتقال می‌داد. بنابراین گزارش‌های مالی انرون واقعیت را به طور کامل منعکس نمی‌کرد زیرا بخشی از بدهی‌های شرکت انرون در ترازنامه تلفیقی لحاظ نشده بود.

حال باتوجه به بحران‌های اخیر مالی که از اعمال روش‌های حسابداری ساختگی به وجود آمده است محققان حسابداری جهت کنترل آن، بر مفهوم افشاء و شفافیت تأکید کرده‌اند. مبحث افشای اطلاعات مهمترین بخش حاکمیت شرکتی محسوب می‌گردد. هرچه عملیات داخلی شرکت و جریان نقدینگی آن روشن‌تر باشد و دقیقتر گزارش شود زمینه‌های

بر این اساس نوع افشای رویه‌های حسابداری انتقادی باید به صورت زیر افشاء گردد:

- توصیف: شناسایی و تشریح مفروضات اساسی و دلایل تغییرات احتمالی اقلامی که به نحوی از انحاء با برآوردهای حسابداری مرتبط است.

- اهمیت: ارائه تأثیر برآوردهای حسابداری بر وضعیت مالی و نتایج عملیات شرکت و همچنین

حسابداری در صورت‌های مالی شرکت در طول سه سال مالی گذشته.

- ارائه اطلاعات به کمیته حسابرسی: ارائه اطلاعات لازم در خصوص برآوردهای حسابداری صورت گرفته به کمیته حسابرسی جهت حسابرسی دقیق آنها.
- شناسایی قسمت‌ها و بخش‌ها: شناسایی بخش‌ها و قسمت‌هایی که با برآوردهای حسابداری مرتبط هستند.

- اثرات بخش‌های خاص: بررسی اثرات برآوردهای حسابداری بر بخش‌ها و قسمت‌های خاص [۱۸]

پیشینه پژوهش

مطالعات خارجی

بازبی (۱۹۷۲) در پژوهشی تحت عنوان «انتخاب موارد اطلاعات و افشای آنها در گزارش‌های مالی سالانه» به بررسی انواع افشاها در صورت‌های مالی پرداخت. هدف او بسط و توسعه تحقیقاتی بود که قبلاً توسط سرف (۱۹۶۱) و سینگ وی و دسای (۱۹۷۱) انجام شده بود. بازبی پرسشنامه‌ای از ۳۴ مورد انواع اطلاعات مالی و غیر مالی که به عنوان مبنایی برای اندازه‌گیری میزان افشاء در گزارش‌های مالی سالانه مورد استفاده قرار می‌گیرد، تهیه نمود. بازبی میزان افشای موارد اطلاعات مزبور را با گزارش ۸۸ شرکت کوچک و متوسط مقایسه و تطبیق نمود. نتایج حاکی از این است که بسیاری از اقلام در گزارش‌های سالانه شرکت‌های نمونه، افشای کافی نشده و همبستگی بین اهمیت نسبی موارد میزان افشاء کم بوده است [۹].

بوتوسن (۱۹۷۷) در پژوهشی تحت عنوان «سطح افشاء و هزینه سرمایه» ارتباط بین سطح افشاء و هزینه سرمایه را مورد بررسی قرارداد. بوتوسن در

تحقیق خود هزینه سرمایه را با استفاده از یک مدل مبتنی بر حسابداری برآورد کرد و فرض کرد یک ارتباط منفی بین هزینه سرمایه و سطح افشای اختیاری برای شرکت‌هایی که تحلیلگران کمی دارند، وجود دارد. او پژوهش خود را محدود به یکسال (۱۹۹۰) نمود زیرا معتقد بود خط مشی افشای شرکت‌ها معمولاً در طول زمان ثابت می‌ماند. همچنین وی نمونه خود را محدود به یک صنعت نمود چرا که صنایع مختلف دارای الگوهای افشای مختلفی هستند. شاخص افشای پژوهش وی بر اساس اطلاعات ارائه شده شرکت‌هایی بود که گزارش‌های مالی سالانه‌ای برای سهامداران فراهم می‌کنند. بوتوسن در بررسی خود به این نتیجه رسید شرکت‌ها پنج دسته اطلاعات را که در تصمیم‌گیری مفیدند باید ارائه نمایند که شامل: اطلاعات عمومی، خلاصه عملکرد ۵ یا ۱۰ ساله، آمارهای غیر مالی کلیدی، اطلاعات مالی و اطلاعات مقایسه‌ای و تحلیلی است [۶].

بوتوسن و پلوم لی (۲۰۰۲) در پژوهشی مشابه تحت عنوان «ارتباط بین سطح افشاء و هزینه سرمایه» نوع افشاء را به سه دسته گزارش‌های سالانه؛ گزارش‌های فصلی و سایر گزارش‌ها انتشار یافته تقسیم نمودند. آنها بر اساس تجزیه و تحلیلی که از ارتباط بین هزینه سرمایه و سطح افشاء انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین هزینه سرمایه و بتا یک ارتباط مثبت وجود دارد. همچنین بین اندازه شرکت و هزینه سرمایه یک ارتباط منفی وجود دارد. برخلاف انتظاری که در شروع این تحقیق وجود داشت هیچ یک از سنجش‌های افشاء همبستگی منفی با هزینه سرمایه ندارد [۷].

پاپروکی و استون (۲۰۰۴) طی پژوهشی تحت عنوان «آیا کاهش کیفیت افشای رویه حسابداری انتقادی شرکت‌ها با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی در ارتباط است؟» اقدام به ارائه مدلی جهت تشخیص کیفیت افشای رویه‌های اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی با چهار فاکتور اساسی شامل Z آلمن؛ نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام؛ نسبت بدهی و بازده سهام یک سال بعد نمودند. نتیجه پژوهش آنها نشان داد شرکت‌هایی که دارای کیفیت افشای رویه‌های مبتنی بر حسابداری انتقادی بالایی هستند، از عدم تقارن اطلاعاتی کمتری برخوردارند [۱۶].

لوی و اسمیت (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «افشای رویه‌های حسابداری انتقادی» اقدام به بررسی کاربرد افشاهای رویه‌های حسابداری انتقادی نمودند. در این پژوهش از مدل دیچو و دایچو (۲۰۰۲) برای کارایی اعمال حسابداری انتقادی و از اقلام حساب‌های دریافتی، موجودی کالا، ذخیره بازنشستگی به عنوان اقلام حسابداری انتقادی استفاده کردند. نتیجه حاصل از بررسی آنها این بود که شرکت‌هایی که از رویه‌های حسابداری انتقادی استفاده می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که از رویه‌های حسابداری انتقادی استفاده نمی‌کنند، کارایی بیشتری دارد زیرا استفاده از افشای رویه‌های حسابداری انتقادی منجر به کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌گردد [۱۳].

مطالعات داخلی

در ایران پژوهشی به طور مستقیم در رابطه با افشای رویه‌های حسابداری انتقادی انجام نشده است اما مهمترین مطالعاتی که به طور غیر مستقیم در این زمینه صورت گرفته است به شرح ذیل است:

کاشانی‌پور، رحمانی و پارچینی (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیر موظف» به بررسی رابطه بین دو مکانیسم کنترلی، یعنی افشای اختیاری (مکانیسم کنترل خارجی) و مدیران غیر موظف (مکانیسم کنترل داخلی) که تقلیل دهنده مشکلات نمایندگی هستند، پرداختند. آنان در پژوهش خود نمونه‌ای از شرکت‌های تولیدی حاضر در بورس اوراق بهادار تهران که صورت‌های مالی و گزارش فعالیت هیأت مدیره مربوط به ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۸۵ را منتشر کرده بودند، انتخاب کردند. محققان جهت افشای اختیاری از ۷۱ شاخص استفاده نمودند. نتایج تحقیق نشان داد که مدیران غیر موظف تأثیری بر میزان افشای اختیاری اطلاعات نداشته‌اند [۲].

حساس یگانه و کریمی (۱۳۸۹) طی پژوهشی با عنوان «اثر انتخاب روش‌های حسابداری بر کیفیت سود» با توجه به اینکه سود خالص یک واحد تجاری تحت تأثیر روش‌ها و برآوردهای حسابداری قرار می‌گیرد و امکان دستکاری و مدیریت سود به وجود می‌آید، اقدام به سنجش تأثیر استفاده از روش‌های مزبور بر کیفیت سود نمودند. آنها با بررسی تئوری‌های مختلف، کیفیت سود را بر اساس روش‌های محافظه‌کارانه، تندرو، مختلط و با ثبات مورد اندازه‌گیری قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد:

۱- کیفیت سود گزارش شده شرکت تحت تأثیر روش‌های حسابداری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر توانایی سرمایه‌گذار برای پیش‌بینی سودهای غیر منتظره بر مبنای سود گزارش شده جاری، تحت تأثیر روش‌های مورد استفاده شرکت‌ها قرار نمی‌گیرد.

۲- شرکت‌هایی که از روش‌های محافظه‌کارانه استفاده می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که از روش میانه‌رو استفاده می‌کنند، اندازه (فروش) کمتری دارند ولی اندازه شرکت بین شرکت‌های میانه‌رو و تندرو و همچنین شرکت‌های تندرو و محافظه‌کار تفاوت معناداری ندارند.

۳- سطح بدهی شرکت بر انتخاب روش‌های حسابداری شرکت اثرگذار نیست [۱].

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی ۱

بین معیارهای سنتی و نوین عملکرد در دوره‌های افشای ارقام مبتنی بر حسابداری انتقادی با دوره‌های عدم افشای آن تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی ۱

فرضیه ۱- بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی موجودی کالا با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲- بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی موجودی کالا با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳- بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی شناسایی درآمد با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴- بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی شناسایی درآمد با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵- بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۶- بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۷- بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی هزینه استهلاک با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۸- بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی هزینه استهلاک با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی ۲

بین افشای ارقام مبتنی بر حسابداری انتقادی با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی ۲

فرضیه فرعی ۱-۲: بین کیفیت ارقام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی موجودی کالا با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۲-۲: بین کیفیت ارقام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای شناسایی درآمد با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۳-۲: بین کیفیت ارقام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۴-۲: بین کیفیت ارقام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی هزینه

استهلاک با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش به شرح ذیل هستند:

متغیرهای فرضیه اول

در فرضیه اول به دلیل اینکه هدف مشخص نمودن سودمندی افشای اقلام حسابداری انتقادی است از افشای انتقادی اقلام مورد تأکید بورس اوراق بهادار نیویورک که در شرکت‌های ایرانی نیز تا حدودی افشاء (نه دقیقاً بر اساس معیارهای مورد نظر بورس و اوراق بهادار نیویورک) آنها صورت می‌گیرد، استفاده شده است. لازم به ذکر است در کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا، افشاء عموماً بر اساس الزامات قانونی و هم بر اساس اراده و اختیار مدیران شرکت‌ها انجام می‌پذیرد. زیرا چنین استدلال می‌شود که با افزایش کیفیت افشاء، اطمینان سرمایه‌گذاران و به دنبال آن سطح سرمایه‌گذاری و ارزش سهام شرکت بیشتر می‌شود. ولی در ایران افشای اطلاعات مالی بر اساس الزام استانداردهای حسابداری انجام می‌پذیرد. بنابراین در تحقیق حاضر برای یافتن نوع افشای اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی، گزارش‌های هیأت مدیره مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای مستقل شامل اقلام حسابداری انتقادی در برگیرنده شناسایی درآمد، موجودی کالا، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، هزینه استهلاک است. متغیرهای وابسته نیز شامل شاخص‌های ارزیابی عملکرد است. شاخص‌های ارزیابی عملکرد که به عنوان معیاری برای سنجش تصمیمات سرمایه‌گذاری لحاظ گردیده است شامل:

تاریخی است شامل:

الف- بازده سرمایه‌گذاری (ROI)^۱: یک معیار حسابداری است که از تقسیم سود عملیاتی بر سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود.

ب- بازده فروش (ROS)^۲: عبارت است از نسبت سود عملیاتی به درآمد فروش.

پ- نسبت قیمت به عایدی هر سهم (P/E)^۳: نشان می‌دهد به ازای عایدی هر سهم در بازار سرمایه به چه قیمتی معامله شده است.

معیارهای نوین ارزیابی عملکرد: این گروه از معیارها، مبتنی بر ارزش هستند که می‌توان از آن برای سنجش ارزش آفرینی شرکت‌ها استفاده کرد.

الف- ارزش افزوده اقتصادی (EVA)^۴: این معیار حاصل تفاوت بین سودخالص عملیاتی بعد از مالیات و هزینه سرمایه است که هزینه فرصت همه منابع به کار گرفته شده در شرکت را مدنظر قرار می‌دهد، به عبارت دیگر ارزش افزوده اقتصادی نسخه تکامل یافته سود باقی‌مانده (RI)^۵ است که از آن کلیه هزینه‌های سرمایه از جمله هزینه فرصت کسر می‌گردد.

ب- ارزش افزوده بازار (MVA)^۶: این معیار حاصل تفاوت بین ارزش بازار شرکت با ارزش دفتری اقتصادی آن است که بیان‌کننده تفاوت پولی است که سهامداران از فروش سهام خود با مبلغی که سرمایه‌گذاری نموده‌اند، به دست می‌آورند [۳].

^۱Return on investment

^۲Return on sales

^۳Price to Earning ratio

^۴Economic value Added

^۵Residual income

^۶Market value Added

معیارهای سنتی ارزیابی عملکرد: پنج معیار

ارزیابی عملکرد سرمایه‌گذاری که مبتنی بر داده‌های

متغیرهای فرضیه دوم

در فرضیه دوم به دلیل تعیین سودمندی افشای ارقام مبتنی بر حسابداری انتقادی بر کیفیت گزارشگری مالی، متغیرهای مستقل، همان افشای ارقام مبتنی بر حسابداری انتقادی است و برای تعیین کیفیت گزارشگری مالی از ارقام سرمایه در گردش تعهدی استفاده گردید. کیفیت گزارشگری مالی، می‌تواند حداقل به دو صورت با تصمیمات سرمایه‌گذاری مرتبط باشد. اول اینکه، اغلب این موضوع بحث شده است که گزارشگری مالی با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران، هزینه‌های انتخاب ناسازگار را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال، لامبرت و ورچیا (۲۰۰۷) دریافتند که تعهد به افشای بیشتر، چنین عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و در نتیجه منجر به افزایش نقدینگی شرکت می‌شود. از طرف دیگر نبود تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران می‌تواند موجب شود تا تأمین سرمایه شرکت، قیمت سهام را کاهش و هزینه تأمین مالی شرکت را افزایش دهند. زیرا سرمایه‌گذاران استنباط می‌کنند که شرکتی که در حال تأمین مالی است، به شیوه‌ای نامناسب عمل می‌کند [۱۲].

بنابراین اگر کیفیت گزارشگری مالی هزینه‌های انتخاب ناسازگار را کاهش دهد، می‌تواند تصمیمات سرمایه‌گذاری را با کاهش هزینه‌های تأمین مالی، بهبود بخشد. دوم اینکه، بخش عمده‌ای از ادبیات موجود در حوزه تحقیقات حسابداری اشاره دارند که گزارشگری مالی، نقش حیاتی در کاهش مسائل نمایندگی ایفا می‌کند. به عنوان نمونه، اطلاعات حسابداری مستقیماً بر قراردادهای جبران خدمات

مدیران اثرگذار است و منبع اصلی سهامداران برای نظارت بر مدیران است. به علاوه اطلاعات حسابداری مالی به عنوان منبعی مهم برای اطلاعات خاص شرکت، برای ایفای وظیفه نظارتی بازار سهام، ضروری است. بنابراین اگر گزارشگری مالی مسائل نمایندگی را کاهش دهد، می‌تواند با افزایش توانایی سهامداران در نظارت بر مدیران، به بهبود تصمیمات سرمایه‌گذاری یاری رساند. زیرا افزایش توانایی سهامداران در نظارت بر مدیران، موجب بهبود انتخاب پروژه و کاهش هزینه‌های تأمین مالی می‌شود. با توجه به اینکه ارقام تعهدی ارزش اطلاعاتی سود را با کاهش اثرات نوسانات ناپایدار در جریان‌های نقدی، بهبود می‌بخشد، کیفیت ارقام سرمایه در گردش تعهدی به عنوان جانشین کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شده است [۲۰].

کیفیت ارقام سرمایه در گردش تعهدی بر اساس مدل زیر ارائه گردیده است:

$$+ \beta_3 * CFQ_{t+1} + \beta_4 * \Delta S_t + \beta_5 * FA_t + \varepsilon_{Acc}$$

$$Acc = \alpha + \beta_1 * CFQ_{t-1} + \beta_2 * CFQ_t$$

$$cf_{t-1} = \text{خالص دریافت و پرداخت وجه نقد تعهد}$$

شده در زمان t-1؛

$$cf_t = \text{خالص جریان‌های نقدی جاری؛}$$

$$cf_{t+1} = \text{خالص جریان‌های نقدی انتقال یافته به}$$

زمان t+1؛

$$\Delta S = \text{تغییرات فروش؛}$$

$$FA = \text{دارایی‌های ثابت مشهود؛}$$

$$\varepsilon_{Acc} = \text{خطای برآورد ارقام تعهدی نسبت به}$$

جریان‌های نقدی.

ضرائب $\beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4, \beta_5$ بترتیب ارزش

گزارشگری مالی بیشتر (کمتر) تلقی می‌گردد. برای افزایش دقت در تحقیق، مشابه دیچوو و دایچو (۲۰۰۲) و وردی (۲۰۰۶)، به جای استفاده از کل ارقام تعهدی، از ارقام تعهدی مربوط به سرمایه در گردش و به جای استفاده از جریان‌های نقدی حاصل از عملیات واحد تجاری استفاده شده است [۲۰ و ۱۰]. مک نیکلز (۲۰۰۲) با وارد نمودن متغیرهای کنترلی تغییر در درآمد فروش (Δs) و دارایی‌های ثابت، ضریب همبستگی این مدل را افزایش داده، بنابراین در این پژوهش این دو متغیر به عنوان متغیرهای کنترلی وارد مدل شده‌اند [۱۴].

روش پژوهش

پژوهش حاضر به دلیل اینکه برای بررسی تأثیر افشای ارقام مبتنی بر حسابداری انتقادی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری از اطلاعات موجود در صورت‌های مالی و همچنین گزارش‌های هیأت مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در سنوات گذشته استفاده می‌نماید و هیچ‌گونه دخالتی در کنترل و تغییر مقادیر متغیرها ندارند. بنابراین، این پژوهش از نوع پس رویدادی^۲ است.

همان‌گونه که اشاره گردید، در این پژوهش جهت بررسی تأثیر سودمندی افشای ارقام مبتنی بر حسابداری انتقادی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری، اقدام به انتخاب شرکت‌هایی می‌گردد که در برخی سالها افشای مربوطه را انجام داده و در برخی سالها خیر. این روش جهت سنجش سودمندی افشاء مربوطه است. برای سنجش سودمندی افشاهای مزبور، از تأثیرگذاری آن بر شاخص‌های سنجش عملکرد استفاده می‌گردد. بدین معنی که چنانچه افشاء صورت

سودمندی اطلاعات مربوط به جریان‌های نقدی سال گذشته، حال و آینده را نشان می‌دهند.

مبنای نظری مدل بر این نکته استوار است که ارقام سرمایه در گردش تعهدی باید با جریان‌های نقدی (CFO)^۱ دوره قبل، جاری و بعد توضیح داده شوند. مقادیر خطای (α_{Acc}) حاصل از رگرسیون ارقام تعهدی با سه متغیر جریان‌های نقدی، بدین معناست که ارقام تعهدی به شناسایی جریان‌های نقدی نامرتبط است. بنابراین هرچه اندازه مقادیر حاصل ($|\alpha_{Acc}|$) از این مدل کمتر باشد، کیفیت ارقام تعهدی و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی بالاتر خواهد بود. چون مقادیر خطاها شاخصی برای محاسبه عدم کیفیت گزارشگری مالی فراهم می‌آورد، بدیهی است که می‌توان با ضرب نمودن مقادیر مثبت خطاها در منفی یک، از آن به عنوان شاخصی برای محاسبه کیفیت گزارشگری مالی استفاده نمود. به عبارت دیگر قرینه اندازه مقادیر خطای بزرگتر (کوچکتر)، کیفیت گزارشگری مالی بیشتر (کمتر) را منعکس می‌گرداند. ممکن است عدم توضیح دهندگی ارقام تعهدی توسط جریان‌های نقدی پیشگفته، ناشی از نوع ساختار اقتصادی و نوع فعالیت واحد تجاری باشد. بنابراین ممکن است مقادیر خطا برای یک شرکت زیاد باشد اما گزارش‌های مالی به صورت باثبات، آنها را گزارش کند. به عبارت دیگر ممکن است مقادیر خطا بالا، اما نوسان‌های حاصل از گزارشگری آن کم باشد. بنابراین، در این تحقیق انحراف معیار استاندارد مقادیر خطا ضرب در منفی یک، به عنوان سطح کیفیت گزارشگری تعریف می‌شود. بدین معنا که هرچه انحراف معیار استاندارد مقادیر خطا ضرب در منفی یک، بزرگتر (کوچکتر) باشد، سطح کیفیت

^۲ Expose Facto

^۱ Cash flow operating

مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در ایران به دلیل عدم الزام به افشاء یاد شده، اقدام به بررسی گزارشات هیأت مدیره گردید.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه‌های فرعی ۱ و ۲

فرضیه فرعی ۱- این فرضیه اشاره دارد که بین معیارهای سستی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی موجودی کالا با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۲- این فرضیه اشاره دارد که بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی موجودی کالا با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

گرفته باشد انتظار می‌رود معیارهای سنجش عملکرد نسبت به دوران عدم افشاء بیشتر باشند و بالعکس چنانچه افشاء صورت نگرفته باشد انتظار می‌رود معیارهای ارزیابی عملکرد نسبت به دوران افشاء کمتر باشد. بدین ترتیب با توجه به نوع تحقیق، داده‌های آماری کیفی بوده (بررسی افشاء یا عدم افشای اقلام مرتبط با حسابداری انتقادی) و بنابراین از آمار ناپارامتریک (آزمون ویلکاکسون) استفاده شده است. بدین صورت که با توجه به متفاوت بودن دوران افشاء هر یک از اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی، ابتدا میانگین آنها در نظر گرفته شده سپس میانه آماری هر یک از افشای اقلام محاسبه شده و عملکرد دوران افشای اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی با دوران عدم افشای اقلام یاد شده با یکدیگر

نگاره شماره ۱. نتایج آماره‌های فرضیه‌های فرعی اول و دوم

نتیجه آزمون فرضیه تحقیق	سطح خطا	P-value	آماره Z	شاخص‌های عملکرد	فرضیه تحقیق
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	-۴/۱۲۵	ROI	۱-۱
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	-۴/۸۱۳	ROS	۱-۲
پذیرفته می‌شود	۵ درصد	۰/۴۰۹	-۰/۸۲۵	P/E	۱-۳
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	-۳/۷۹۳	EVA	۲-۱
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	-۳/۸۲۸	MVA	۲-۲

می‌گیرد، بنابراین فرض صفر در سطح ۹۵٪ اطمینان پذیرفته نمی‌شود.

یعنی میزان میانه این دو معیار بعد از افشا افزایش یافته است اما برای نسبت قیمت به عایدی هر سهم (P/E) مقدار آماره آزمون و سطح معنی‌داری در ناحیه پذیرش فرض صفر قرار می‌گیرد، بنابراین فرض صفر پذیرفته می‌شود یعنی میزان میانه این معیار بعد از

همان‌گونه که در نگاره (۱) مشاهده می‌گردد مقدار آماره آزمون برای معیار بازده سرمایه‌گذاری (ROI)، بازده فروش (ROS) و نسبت قیمت به عایدی هر سهم (P/E) به ترتیب برابر با ۴/۱۲، ۴/۸۱- و ۰/۸۲۵- است و مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ برای بازده سرمایه‌گذاری و بازده فروش است. که این مقادیر آماره در ناحیه عدم پذیرش فرضیه صفر قرار

افشا نسبت به قبل از افشاء افزایش معناداری را نشان نمی‌دهد. مقدار آماره آزمون برای معیار ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و ارزش افزوده بازار (MVA) به ترتیب برابر با $-۳/۸۳$ و $-۳/۷۹$ است و سطح معنی‌داری آنها کمتر از $۰/۰۵$ است که نشان دهنده عدم پذیرش فرضیه صفر است. بنابراین فرض صفر پذیرفته نمی‌شود یعنی میزان میانه این دو معیار بعد از افشا افزایش یافته است.

آزمون فرضیه‌های فرعی ۳ و ۴ فرضیه فرعی ۳- طبق این فرضیه بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی شناسایی درآمد با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۴- این فرضیه اشاره دارد به اینکه بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی شناسایی درآمد با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

نگاره شماره ۲. نتایج فرضیه‌های فرعی سوم و چهارم

نتیجه آزمون فرضیه تحقیق	سطح خطا	p-value	آماره Z	شاخص‌های عملکرد	فرضیه تحقیق
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۱	۳/۴۰۹	ROI	۱-۱
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	۴/۱۲۰	ROS	۱-۲
پذیرفته می‌شود	۵ درصد	۰/۶۴۷	-۰/۴۵۸	P/E	۱-۳
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۱	۳/۲۶۶	EVA	۲-۱
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۱	۳/۴۲۶	MVA	۲-۲

عایدی هر سهم (P/E) پذیرفته می‌شود. یعنی میزان میانه این دو معیار بازده سرمایه‌گذاری (ROI) و بازده فروش (ROS) بعد از افشا افزایش یافته است. ولی برای معیار نسبت قیمت به عایدی هر سهم (P/E) میزان میانه این معیار بعد از افشا نسبت به قبل از افشاء افزایش معناداری را نشان نمی‌دهد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقدار آماره آزمون برای معیار ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و ارزش افزوده بازار (MVA) و به ترتیب برابر با $۳/۴۲۶$ و $۳/۲۶۶$ است و سطح معنی‌داری آنها کمتر از $۰/۰۵$ است ($p\text{-value}=0/001$) که نشان‌دهنده عدم پذیرش

همان‌گونه که در نگاره (۲) مشاهده می‌گردد مقدار آماره آزمون برای معیار بازده سرمایه‌گذاری (ROI)، بازده فروش (ROS) و نسبت قیمت به عایدی هر سهم (P/E) به ترتیب برابر با $۳/۴۰۹$ ، $۴/۱۲۰$ و $-۰/۴۵۸$ است و مقدار سطح معنی‌داری کمتر از $۰/۰۵$ برای بازده سرمایه‌گذاری (ROI)، بازده فروش (ROS) و نسبت قیمت به عایدی هر سهم (P/E) ترتیب $۰/۰۰۱$ و $۰/۰۰۰$ و $۰/۶۴۷$ است. بنابراین فرض صفر در سطح ۹۵% اطمینان برای معیارهای بازده سرمایه‌گذاری (ROI) و بازده فروش (ROS) پذیرفته نمی‌شود ولی برای معیار نسبت قیمت به

فرضیه صفر است. بنابراین فرض صفر پذیرفته نمی‌شود. یعنی میزان میانه این دو معیار بعد از افشای افزایش یافته است.

انتقادی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد. فرضیه فرعی ۶- بر اساس این فرضیه بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه‌های فرعی ۵ و ۶

فرضیه فرعی ۵- این فرضیه بیان می‌دارد که بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای

نگاره شماره ۳. نتایج فرضیه‌های فرعی پنجم و ششم

نتیجه آزمون فرضیه تحقیق	سطح خطا	p-value	آماره Z	شاخص‌های عملکرد	فرضیه تحقیق
پذیرفته می‌شود	۵ درصد	۰/۱۱۵	-۱/۵۷۶	RoI	۱-۱
پذیرفته می‌شود	۵ درصد	۰/۰۸۸	-۱/۷۰۷	ROS	۱-۲
پذیرفته می‌شود	۵ درصد	۰/۴۴۹	-۰/۷۵۶	P/E	۱-۳
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۱۵	-۲/۴۳۵	EVA	۲-۱
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	-۴/۰۶۲	MVA	۲-۲

افشا نسبت به قبل از افشای معناداری را نشان می‌دهد.

آزمون فرضیه‌های فرعی ۷ و ۸

فرضیه فرعی ۷- این فرضیه اشاره دارد بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی هزینه استهلاک با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۸- بر اساس این فرضیه بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی هزینه استهلاک با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد مقدار آماره آزمون و سطح معنی‌داری برای هر سه معیار سنتی عملکرد در ناحیه پذیرش فرض صفر قرار می‌گیرد بنابراین فرض صفر پذیرفته می‌شود. یعنی میزان میانه این معیارها بعد از افشا نسبت به قبل از افشای افزایش معناداری را نشان نمی‌دهد.

بر طبق جداول ارائه شده مشاهده می‌گردد که مقادیر آماره آزمون برای هر دو معیار نوین عملکرد به ترتیب $-۴/۰۶۲$ و $-۲/۴۳۵$ بوده و سطح معنی‌داری نیز به ترتیب $۰/۰۰۰$ و $۰/۰۱۵$ بوده که در ناحیه عدم پذیرش فرض صفر قرار می‌گیرد، بنابراین فرض صفر پذیرفته نمی‌شود یعنی میزان میانه این معیارها بعد از

نگاره شماره ۴. نتایج فرضیه‌های هفتم و هشتم

نتیجه آزمون فرضیه تحقیق	سطح خطا	p-value	آماره Z	شاخص‌های عملکرد	فرضیه تحقیق
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	-۴/۴۵۲	RoI	۱-۱
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	-۵/۳۶۳	ROS	۱-۲
پذیرفته می‌شود	۵ درصد	۰/۶۲۵	-۰/۴۸۹	P/E	۱-۳
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	-۴/۲۹۷	EVA	۲-۱
پذیرفته نمی‌شود	۵ درصد	۰/۰۰۰	-۴/۵۲۷	MVA	۲-۲

بنابراین فرض صفر پذیرفته نمی‌شود یعنی میزان میانه این دو معیار بعد از افشا افزایش یافته است.

آزمون فرضیه‌های فرعی ۱-۲ و ۲-۲

فرضیه فرعی ۱-۲: این فرضیه بیان می‌دارد که بین کیفیت اقلام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی موجودی کالا با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۲-۲: بر اساس این فرضیه بین کیفیت اقلام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی شناسایی درآمد با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۳-۲: این فرضیه اشاره دارد که بین کیفیت اقلام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۴-۲: بین کیفیت اقلام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی هزینه استهلاک با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

نگاره‌های فوق نشان دهنده آن است که مقدار آماره آزمون برای معیار بازده سرمایه‌گذاری ROI، بازده فروش ROS و نسبت قیمت به عایدی هر سهم P/B به ترتیب برابر با $۴/۴۵$ ، $۵/۳۶$ و $۰/۴۸۹$ است و سطح معنی‌داری برای معیارهای بازده سرمایه‌گذاری (ROI) و بازده فروش (ROS) شامل p -value=0/000 است و برای معیار نسبت قیمت به عایدی هر سهم (P/E) شامل $۰/۶۲۵$ بوده است که این مقادیر آماره و سطح معنی‌داری برای معیارهای بازده سرمایه‌گذاری (ROI) و بازده فروش (ROS) در ناحیه عدم پذیرش فرضیه صفر قرار می‌گیرد، بنابراین فرض صفر پذیرفته نمی‌شود، یعنی میزان میانه این دو معیار بعد از افشا افزایش یافته است اما برای نسبت قیمت به عایدی هر سهم (P/B) مقدار آماره آزمون و سطح معنی‌داری در ناحیه پذیرش فرض صفر قرار می‌گیرد. بنابراین فرض صفر پذیرفته می‌شود یعنی میزان میانه این معیار بعد از افشا نسبت به قبل از افشاء، افزایش معناداری را نشان نمی‌دهد.

مقدار آماره آزمون برای معیار ارزش افزوده اقتصادی (EVA) و ارزش افزوده بازار (MVA) به ترتیب برابر با $۴/۵۳$ و $۴/۳۰$ است که این مقادیر آماره در ناحیه عدم پذیرش فرض صفر قرار می‌گیرد

نگاره شماره ۵. نتایج فرضیه فرعی دوم

فرضیه تحقیق	اقدام مبتنی بر حسابداری انتقادی	آماره Z	p-value	سطح خطا	نتیجه آزمون فرضیه تحقیق
۱-۱	موجودی کالا	-۱/۵۶۴	۰/۱۱۸	۵ درصد	پذیرفته می‌شود
۱-۲	شناسایی درآمد	-۰/۴۵۸	۰/۶۴۷	۵ درصد	پذیرفته می‌شود
۱-۳	ذخیره م.م	-۲/۱۵۴	۰/۰۳۱	۵ درصد	پذیرفته نمی‌شود
۱-۴	هزینه استهلاک	-۱/۷۸۲	۰/۰۷۵	۵ درصد	پذیرفته می‌شود

اقدام مبتنی بر حسابداری انتقادی را مورد بررسی و کاوش قرار داده است. خلاصه نتایج فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل است:

یافته‌ها و شواهد تجربی حاکی از سودمندی افشای رویه‌های اقدام مبتنی بر حسابداری در ارزیابی شرکت‌های ایرانی است و اینکه افشای رویه‌های اقدام مبتنی بر حسابداری انتقادی می‌تواند به منظور تصمیم‌گیرهای سرمایه‌گذاری مورد استفاده افراد ذینفع شرکت‌ها قرارگیرد. لیکن ارتباط آن با کیفیت اقدام سرمایه در گردش تعهدی به دلیل محیط اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی حاکم بر ایران از جمله افشاء بر اساس الزامات قانونی به عنوان معیاری سودمند تلقی نمی‌گردد.

از طرفی نتایج پژوهش حاکی از آن است که عدم افشای رویه‌های اقدام مبتنی بر حسابداری انتقادی می‌تواند منجر به مدیریت سود در شرکت‌ها شود. که این موضوع بسته به انگیزه و هدف مدیریت در رسیدن به مقاصد از پیش تعیین شده، متفاوت است.

طبق نگاره (۵) مقدار سطح معنی داری اقدام موجودی کالا و شناسایی درآمد و هزینه استهلاک بیشتر از ۰/۰۵ است (۰/۰۷۵ و ۰/۶۴۷ و $p=0/118$). بنابراین مقدار آماره آزمون نیز در ناحیه پذیرش فرض صفر قرار گرفته و فرض صفر پذیرفته می‌شود. یعنی میزان میانه این معیار بعد از افشا نسبت به قبل از افشاء افزایش معناداری را نشان نمی‌دهد.

همچنین مقدار آماره آزمون قلم ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول برابر با $-۲/۱۵۴$ و سطح معنی داری ۰/۰۳۱ بوده است که نشان‌دهنده رد فرضیه صفر است. بنابراین فرض صفر پذیرفته نمی‌شود یعنی میزان میانه کیفیت اقدام سرمایه در گردش تعهدی بعد از افشا نسبت به قبل از افشاء افزایش معناداری را نشان می‌دهد.

نتیجه

در این مطالعه با استفاده از رویکرد سودمندی افشای انتقادی اقدام حسابداری بر تصمیمات سرمایه‌گذاری، محتوای اطلاعاتی اضافی افشای

نگاره شماره ۶. خلاصه نتایج فرضیه‌های پژوهش

نتایج	فرضیه‌ها
تأیید گردید	۱- بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی موجودی کالا با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
تأیید گردید	۲- بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی موجودی کالا با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
تأیید گردید	۳- بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی شناسایی درآمد با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
تأیید گردید	۴- بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی شناسایی درآمد با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
رد شد	۵- بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
تأیید گردید	۶- بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
تأیید گردید	۷- بین معیارهای سنتی سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی هزینه استهلاک با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
تأیید گردید	۸- بین معیارهای نوین سنجش عملکرد در دوره‌های افشای انتقادی هزینه استهلاک با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
رد شد	۹- بین کیفیت اقلام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی موجودی کالا با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
رد شد	۱۰- بین کیفیت اقلام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی شناسایی درآمد با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
تأیید گردید	۱۱- بین کیفیت اقلام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.
رد شد	۱۲- بین کیفیت اقلام سرمایه در گردش تعهدی در دوره‌های افشای انتقادی هزینه استهلاک با دوره‌های عدم افشای انتقادی آن تفاوت معناداری وجود دارد.

پیشنهاد‌های حاصل از نتایج پژوهش

پیشنهاد‌های کاربردی

- ۱- یکی از اهداف گزارشگری مالی کمک به سرمایه‌گذاران جهت اتخاذ تصمیمات منطقی است. بنابراین با افشای رویه‌های اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی سرمایه‌گذاران را در این راه مورد حمایت قرار می‌گیرند.
- ۲- پیشنهاد می‌گردد که محافل علمی، دانشگاهی و

حرفه‌ای از نتایج تحقیقات صورت گرفته پیرامون موضوع افشای رویه‌های اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی جهت شناساندن موضوع مزبور و آثار مثبت و منفی مربوط به آن به افراد ذینفع و شناخت ابعاد گزارشگری مالی (گزارشگری سود) در بازار سرمایه ایران استفاده نموده و امکان تحقیقات جامع‌تری که با شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز سازگار باشد را مورد توجه قرار دهند.

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مزبور می‌تواند موضوع تحقیقات آتی توسط محققین قرار بگیرد.

۳- در این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در تمامی صنایع به صورت واحد مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به دنبال آن نتایج مذکور حاصل گردیده است، لذا به نظر می‌رسد بررسی موضوع تأثیر افشای رویه‌های اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی بر سودمندی اطلاعات صورتهای مالی شرکت‌ها نتایج قابل ملاحظه‌ای به دست آورد که جهت آگاهی افراد ذینفع مفید فایده قرارگیرد.

۴- با توجه به اینکه پژوهش‌های انجام شده در زمینه حسابداری انتقادی در محیط اقتصادی کشور بسیار اندک و ناکافی است به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌های متناسب با محیط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران ضروری است.

منابع

- ۱- حساس یگانه، یحیی و ملیحه کریمی. (۱۳۸۹). «اثر انتخاب روش‌های حسابداری بر کیفیت سود»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ۲- کاشانی‌پور، محمد، رحمانی، علی و سید مهدی پارچینی. (۱۳۸۸). «رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیر موظف»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۵۷، صص ۸۵-۱۰۰.
- ۳- مهدوی، غلامحسین و اصغر قربانی. (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای نقش شاخص‌های نوین و سنتی نقدینگی در ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پژوهش‌های حسابداری مالی، ش ۱۱، صص ۶۷-۸۸.

۳- و نهایتاً به عنوان راهکار مناسب ارائه شده از این تحقیق جهت افزایش کیفیت گزارشگری مالی و همچنین ورود تحلیل‌گری مالی در یادداشتهای توضیحی، مدیریت تدوین استانداردهای حسابداری ساز و کار لازم را جهت ارائه افشای اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی در صورت‌های مالی فراهم نماید تا استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را جهت تصمیمات مورد نیاز کمک نماید.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

باتوجه به این که در این پژوهش از ۴ قلم حسابداری انتقادی استفاده گردیده است لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی از سایر اقلام استفاده گردد.

۱- از آنجا که حجم عظیمی از اقتصاد کشور ایران دولتی است و با وجود سازمان‌های گسترده مالی نظیر بنیادها و تأثیر آنها بر اقتصاد کشور و نیز الزام به اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ا در خصوص واگذاری شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به بخش خصوصی (خصوصی سازی) از طریق عرضه سهام این قبیل شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار و روند رو به رشد این واگذاری‌ها طی چند سال اخیر و اینکه شرکت‌های مورد واگذاری دارای ساختار مدیریتی دولتی و بعضاً عملکرد مالی مناسبی نیستند و از آنجا که احتمال اعمال مدیریت سود جهت عرضه سهام آنان به بخش خصوصی در این شرکت‌ها متصور است لذا تحقیقاتی در این حوزه می‌تواند کمک شایانی به تصمیم‌گیرندگان اقتصادی نماید.

۲- بررسی و مقایسه موضوع افشای رویه‌های اقلام مبتنی بر حسابداری انتقادی در شرکت‌های در شرف پذیرش سازمان بورس اوراق بهادار تهران و نیز

- disclosures lower for companies with high information asymmetry? Available at URL: [Http://www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
- 17- Peter, A., McInaney, J., (2011). financial accounting for decision makers, Mc Grawhill
- 18- Rezaee, Z., (2009). Corporate governance and Ethics, *John wily & sons*
- 19- Solomon, J., Solomon, A., (2004). Corporate governance and accountability, *John Wiley and sons*
- 20- Verdi.R. (2006). financial reporting quality and investment efficiency, Available at URL: [Http://www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
- ۴- مشکی، مهدی و لطیف نوردیده. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر سود در پایداری سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ش ۱۱، صص ۱۰۵-۱۱۸.
- ۵- ناظمی ارکانی مهدی. (۱۳۸۸). «مدیریت سود مبتنی بر ارقام حسابداری در مقابل مدیریت سود واقعی»، *نشریه حسابداری رسمی*، ش ۷، صص ۱۱۴-۱۱۹.
- 6- Botosan, c., (1997). Disclosure level and the cost of equity capital, *the accounting review*, 72(3), 323-349
- 7- Botosan, C., plum lee, M., (2002). A examination of disclosure and the expected cost of equity capital, *journal of accounting research*, 40(1), 21-40
- 8- Brook, B., Mary, P., (2011). Discussion of critical accounting policy disclosures, *journal of accounting auditing and finance*, 26(1), 77-80
- 9- Buzby, S., (1974). Selected items of information and their disclosure in annual reports, *the accounting review*, 49(3), 423-435
- 10- Dechow, p., Dichev, J., (2002). The quality of accruals and earning: the role of accrual estimation errors, *the accounting review*, 77(4), 35-59
- 11- Herdman, R., (2002). Speech by SEC staff: critical accounting and critical disclosures, Available at URL: [Http://www.CPA.com](http://www.CPA.com)
- 12- Lambert, R., Verrecchia, P., (2007). Accounting information, disclosure and the cost of capital, *journal of accounting research*, 45(3), 358-420
- 13- Levine, C., Smith, M., (2011). Critical accounting policy disclosures, *journal of accounting auditing and finance*, 22(1), 39-76
- 14- McNichols.M., (2002). Discussion of the quality of accrual and earning: the role of accrual estimation errors, *the accounting review* 77(3), 61-69
- 15- Mathew, R., (2006). Accounting theory and development, *prentice hall*
- 16- Paprocki, C., Stone, M., (2009). IS the quality of critical accounting policy

